

اظهارات مفکرین و رهبران غربی پیرامون خلافت و هراس شان بخاطر بازگشت آن

(ترجمه)

امسال، از سقوط خلافت در حالی سخن بعمل می‌آید که از سقوط آن 100 سال گذشته است. به تاریخ 28 رجب سال 1342 ه.ق. موافق به 3 مارچ سال 1924 م. دولت خلافت عثمانی سقوط کرد، امت پراکنده گشت، ارتباطات آن از هم گسست، ثروت آن به هدر رفت و امت اسلامی بعد از یک دوره طلایی، که صدرنشین و فرمانروای جهان بود، هبوط نموده و در ذیل امت‌ها قرار گرفت!

دولت خلافت بعد از آن که غرب کافر دشمنی خود را آشکار ساخت و در رأس آن انگلیس و مزدورش، مصطفی کمال برای انهدام آن فعالیت می‌کرد، سقوط داده شد. آیا غرب کافر تنها به نابودی و سقوط خلافت بسنده کرد و آتش کینه‌توزی‌اش بر علیه اسلام خاموش گشت؟

هنوز رهبران غرب اعم از سیاسیون، مفکرین و مستشرقین از خلافت اسلامی و خطرناک بودن بازگشت آن هراسان بوده و برای جلوگیری از بازگشت آن دیگران را مانع و بر حذر می‌دارند. اظهارات رهبران سیاسی، مفکرین و بسیاری از پژوهش‌های مراکز تحقیقاتی میزان خوف و هراس غرب کافر از دولت خلافت اسلامی و بازگشت آن را منعکس ساخته که در طول تاریخ؛ آتش کینه‌توزی شان خاموش نگشته، بلکه هر زمان که احساس بازگشت دولت خلافت اسلامی را بکنند، شعله‌ورتر می‌شود. در این مقاله به بعضی از اقوال رهبران غرب متعلق به انتظار بازگشت خلافت و نگرانی از بازگشت آن اشاره می‌نماییم:

ریتشاد نیکسون، رئیس جمهور اسبق امریکا: «نقش اساسی ما عقب‌اندازی رشد اسلامی ست.» فیلیپ جوزیف سالازار، نماینده اسبق وزیر خارجه فرانسه که یک متفکر و سیاست‌مدار بود، غرب را از اسلام برحذر داشته و گفت: «جهان اسلام بسیار بزرگ و تنومند می‌باشد که هنوز بزرگی خود را درک و کشف نکرده است، لذا بر ما لازم است که خواسته‌هایش را برآورده ساخته و تمایلش را در تولید محصولات محدود سازیم تا که قیام ننماید؛ اما اگر از این کار عاجز بمانیم؛ جهان غرب با خطر ناگهانی مواجه شده و وظیفه تمدنی خود را به عنوان رهبر جهان از دست خواهد داد.» بات بوکانان سناتور جمهوری امریکا: «مسئله بازگشت اسلام بعنوان نظام زندگی فقط بستگی به وقت داشته و هر لحظه احتمال عودت آن می‌رود... در حقیقت امریکا با ارتش و تمام امکانات دست‌داشته خود نمی‌تواند که در برابر تمدن آینده مقاومت نماید، چون که ثبات اسلام و قدرت آن در حقیقت و به احتمال زیاد حیرت‌آور است... اسلام توانست که در جریان دو قرن پشت سرهم قدرت جهان را بدست بگیرد و توانست که کمونیزم را به یک آسانی عجیبی شکست دهد... و آنچه را که شاهد آن هستیم اینست که اکنون اسلام با نیروی دیگر جهانی در حال مبارزه است.»

تونی بلیر، نخست وزیر اسبق بریتانیا به تاریخ 2005/7/16 م. در کنفرانس عمومی حزب عمال گفت که: «ما هر حرکتی را که برای از بین بردن دولت اسرائیل و خروج غرب از جهان اسلام تلاش ورزد و در صدد حاکمیت شریعت اسلامی از طریق برپایی دولت خلافت اسلامی بالای تمام امت اسلامی باشد را از میان برده و ریشه کن خواهیم نمود.»

پوتین، رئیس جمهور روسیه در کانون اول سال 2002 م. گفت: «تروریست‌های جهانی به هدف تصرف بعضی از مناطق روسیه و تأسیس خلافت اسلامی؛ علیه روسیه اعلان جنگ نمودند.» اما ترامپ رئیس جمهور اسبق امریکا، علیه اسلام اظهارات زیادی

را رد و بدل کرده است، که چندین پیام از سوی آن به تاریخ 9 اکتوبر سال 2019م. منتشر شد که نشان‌دهنده موقف‌گیری منفی وی پیرامون موجودیت امریکایی‌ها در سوریه می‌باشد. به عنوان مثال این سخنش: مداخله در شرق میانه، بدترین تصمیم در تاریخ ایالات متحده بوده. با این گفته‌اش که جنگ عراق به بهانه باطل و غیر واقعی راه انداخته شد. از طریق صفحه تویترش اظهار داشت که: «جنگ را به بهانه باطلی راه‌اندازی نمودیم و این بهانه اکنون از بین رفته است که می‌توان از آن بنام اسلحه کشتار جمعی یاد کرد. وی ادامه داده گفت؛ ما قصد داریم که ارتش بزرگ خود را بطور سنجیده و به تدریج به کشور خود باز گردانیم.» ترامپ علاوه نمود که: «ایالات متحده برای جنگ و تأمین امنیت در شرق میانه هشت تریلیون دالر به مصرف رسانده است که از میان ارتش بزرگ ما؛ هزاران نفر به قتل و جرح رسیده اند و میلیون‌ها نفر هم از طرف مقابل کشته شده اند.»

با اقتباس از سایت روزنامه الرایة از بیانات حزب التحریر، به ذکر یکی از تبصره‌های مهم آن در ارتباط به سخنان ترامپ می‌پردازیم: «اظهارات ترامپ اعتراف واضح و آشکاریست در باره جنایت‌های امریکا در حق مسلمانان. ترامپ از یک زاویه دیگر تأکید ورزید که دلیل و بهانه‌ای که امریکا توسط آن جنگ را در عراق به راه انداخت و آن را اشغال نمود، دروغی بیش نبود. از ناحیه دیگر وی اعتراف کرد که امریکای صلیبی جنایت‌کار میلیون‌ها مسلمان را به قتل رسانده است. اما چیزی را که بخاطر خوف‌ناک بودن نسبی نزدشان اعتراف نمود و همان چیز سبب شکست سریع و ناگهانی در کار قبیح شان می‌باشد و نیز سبب ترس‌شان از مواصلت وجود نظامی در سرزمین‌های مسلمانان است؛ اینست که امت اسلامی مغلوب نمی‌شود و آن یک امت زنده است، با آنکه مریضی‌اش خیلی وخیم باشد و به درازا بکشد. امت اسلامی متفاوت از امت‌ها و ملت‌های دیگر می‌باشد و علت آن اسلام بزرگ است که در عروق امت جاری بوده و نبض امت بدان وابسته می‌باشد. اگر به جای امت اسلامی امت دیگری مورد تعرض قرار می‌گرفت، منقرض می‌شد و زمان‌ها قبل متلاشی می‌گشت و اثری از آن دیده نمی‌شد. اما امت اسلامی بخاطر دین‌شان (اسلام) در پناه و حفظ الله سبحانه و تعالی بوده و به عنوان یک صخره در روی دشمن و طغیان‌گران باقی خواهد ماند؛ هرچند که طاغیان سرکشی و تکبر نمایند.

این بود قطره‌ای از کینه‌توزی و ترس غرب از بازگشت دولت خلافت اسلامی، اما با وجودی که غرب بالای مسلمانان مسلط بوده و بالای شان حکمرانی می‌کند و نظام سرمایه‌داری‌اش در تمام عرصه‌های زندگی در سرزمین‌های اسلامی و بطور کل در تمام جهان سایه انداخته است؛ با آن‌که تمام نظام‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و غیر آن برگرفته از نظام سرمایه‌داری است؛ ثقافت غرب که در نشر فحشاء و منکرات مثال نداشته و با وجود کفتارهای آن که در راستای تطبیق و نشر ثقافت‌اش از طریق نشر کتب، اعلامیه‌ها و نهادها فعالیت می‌کنند... پس با این همه چرا غرب از بازگشت اسلام در هراس است؟

آیا ترس‌شان از نهادهای اسلامی و جهادی‌ست؟ اما این نهادها هدف‌شان اقامه دولت اسلامی نیست، بلکه این نهادها و اکثریت نهادهای دیگر بر این باور هستند که اقامه دولت خلافت غیر ممکن و خواب و خیال است و مقاومت و انرژی‌شان را در یک فاصله بسیار کم، که خود غرب برای شان تعیین کرده است، منحصر نموده و آن حد و فاصله چیزی جز "وطن" نبوده و جهادشان از مرزهای وطن تجاوز نمی‌کند!

آیا غرب از مسلمانان می‌ترسد؛ اما چرا؟ بسیاری از مسلمانان منتظرند تا مهدی ظهور کند و برای شان خلافت را برپا کند؟! و بعضی از مسلمانان غرق یأس و ناامیدی شده و تسلیم واقعیت و نیروی غرب شده اند و می‌گویند که ما توانایی مبارزه با امریکا و اروپا را نداریم، چون آنان در سرزمین‌های اسلامی بالای مسلمانان حاکم بوده و هرگز اجازه برپایی دولت خلافت را شده را نمی‌دهند.

غرب کافر و رهبران، مفکرین و فرماندهان نظامی اش می‌دانند که مفهوم دولت خلافت بر اذهان بسیاری از فرزندان امت اسلامی زنده گشته است و می‌دانند که نزد امت بیداری فراگیر ایجاد شده است، مبنی بر این که نبود دولت اسلامی سبب همه مشکلات و ناهنجاری‌ها موجود می‌باشد؛ اما امت اسلامی راه دست‌یابی به آن را نمی‌دانند.

این همان چیزی است که غرب از آن هراسان بوده و شب و روز تلاش می‌ورزد تا از بازگشت اسلام و دولت آن ممانعت کند؛ زیرا بازگشت دولت اسلامی برای حکمرانی در روی زمین به معنای پایان بخشیدن به حکمرانی غرب در روی زمین و خاتمه دادن به چور و چپاول مال‌ها و ثروت‌ها می‌باشد. بازگشت دولت خلافت به معنای برخورداری تمام بشر از نعمت عدالت، امنیت و آسایش بوده و به معنای مشرف شدن میلیون‌ها انسان در دین الله سبحانه و تعالی به شکل گروهی می‌باشد. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ (1) وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا (2) فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا﴾
[نصر: 1-3]

ترجمه: هنگامی که یاری الله و پیروزی فرا رسد و مردم را می‌بینی که دسته‌دسته و گروه‌گروه داخل دین الله می‌شوند (و به اسلام مشرف می‌شوند) پروردگار خود را سپاس و ستایش کن و از او آموزش (خود و یاران خویش را از شتابگری در فرا رسیدن فتح و وقوع پیروزی و اظهار دل‌تنگی و گلایه از زندگی) بخواه. الله بسیار توبه‌پذیر است.

به همین خاطر، حزب التحریر شما را دعوت می‌نماید تا هم‌راهی برای اقامه دولت خلافت بر منهج نبوت فعالیت نمایید، چون یگانه حزبی که برای مشرف شدن به این هدف بزرگ فعالیت می‌کند، حزب التحریر می‌باشد. آیا این معقول خواهد بود که از فعالیت نمودن بخاطر چنین هدف بزرگی عقب‌نشینی کنیم، در حالی که غرب کافر شب و روز سعی می‌ورزد تا راه حصول به این هدف را مسدود ساخته و از بازگشت خلافت جلوگیری کند؟!

﴿وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾ [حج: 40]

ترجمه: کسانی که (دین) الله را یاری کنند؛ الله حتماً آنان را یاری می‌کند. همانا الله نیرومند و شکست‌ناپذیر است.

#أقيموا_الخلافة

ReturnTheKhilafah#

YenidenHilafet#

#خلافت_کو_قائم_کرو

نویسنده: ام عاصم الطویل - سرزمین مقدس فلسطین

برای دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر

مترجم: محمد مزمل